خبر

شرایط انتقال کارت‌به‌کارت وجه با اینترنت تغییری نکرده است

■ **شرق:** شرایط انتقال کارت‌به‌کارت اینترنتی با همان شرایط گذشته و بدون هیچ تغییری انجام می‌شود. روابط عمومی بانک‌مرکزی اعلام کرد: به دنبال انتشار خبر «ممنوعیت انتقال وجه اینترنتی از اول آبان» از طریق برخی رسانه‌ها به اطلاع عموم مردم می‌رساند خبر مذکور کذب و ناشی از برداشت نادرست منبع انتشاردهنده آن بوده است. بر این اساس، شرایط انتقال کارت‌به‌کارت اینترنتی مانند گذشته ۳۰میلیون ریال در شبانه روز برای هر کارت است. خدمات انتقال کارت‌به‌کارت در خودپردازها و شعب بانک‌ها نیز کماکان با همان شرایط قبلی انجام می‌گیرد و هیچ تغییری در این خدمات به وجود نیامده است.

قیمت جهانی نفت افزایش یافت

■ **فارس:** قیمت نفت امروز با رشد ۱/۱ درصدی روبه‌رو شده است. قیمت نفت هفته گذشته نیز بیش از ۴/۶درصد افزایش یافت. وزرای دارایی و روسای بانک‌های مرکزی گروه بیست در نشست اخیر خود در پاریس تا ۲۳ اکتبر به رهبران اروپایی فرصت دادند تا برنامه نهایی با خود را برای حل بحران یونان ارایه کنند. بر این اساس، قیمت هر بشکه نفت سبک آمریکا در بازار نیویورک برای تحویل در ماه نوامبر با ۹۱ سنت افزایش به بیش از ۸۷/۷۱ دلار رسید که این بالاترین رقم از ۲۰ سپتامبر به‌شمار می‌رود. قیمت نفت از ابتدای امسال تاکنون ۴/۵ درصد کاهش داشته است.

جزییات گزارش وزرای نفت و اقتصاد در مجلس

■ **مهر:** رییس کمیسیون ویژه اصل ۴۴ مجلس، جزییات گزارش وزرای نفت و اقتصاد در مورد واگذاری‌های اصل ۴۴ در حوزه نفت به کمیسیون در روز جاری را تشریح کرد و از تشکیل کارگروهی هفت جانبه در این زمینه خبر داد. حمیدرضا فولادگر از دعوت کمیسیون اصل ۴۴ مجلس از وزرای نفت و اقتصاد خبر داد و اظهار داشت: وزیر نفت معتقد است که با واگذاری‌ها به‌خصوص در حوزه پالایش نفت و گاز و پتروشیمی مخالفتی نداریم و همکاری‌های لازم را انجام می‌دهیم. او با اشاره به اینکه هنوز هلدینگ پتروشیمی واگذار نشده و شورای رقابت نظرات خود را در این زمینه مطرح و عنوان کرد: قرار شده است که کارگروه مذکور در این خصوص نظر خود را ارایه دهد. وی گفت: وزیر نفت در این جلسه عنوان کرد که برای سرمایه‌گذاری زمینه‌های جدید ایجاد شده است و تاکید کمیسیون این بود که سرمایه‌گذاری‌ها خصوصا در میادین مشترک نفتی و گازی به دلیل اینکه رقبا فعال‌تر هستند باید بیشتر شود. رییس کمیسیون اصل ۴۴ مجلس از قول وزارت اقتصاد برای ایجاد بستر لازم جهت جذب سرمایه‌گذاری‌ها خبر داد و عنوان کرد: جمع‌بندی این بود که کارگروهی متشکل از وزارت نفت، وزارت اقتصاد، کمیسیون اصل ۴۴، کمیسیون انرژی، سازمان خصوصی‌سازی، مرکز پژوهش‌های مجلس و دیوان محاسبات کشور یعنی هفت سازمان و نهاد مذکور موضوع و موارد بحث شده را به نتیجه برسانند. وی خاطرنشان کرد: شرکت‌های حاکمیتی و گروه سومی شامل واگذاری‌ها نمی‌شوند، شرکت‌های معادن نفت و گاز حاکمیتی است و قابل واگذاری نیستند. همچنین شرکت‌های مادر تخصصی مانند ملی نفت قابل واگذاری نیستند.

«خاتم‌الانبیا» مخازن زیر زمینی نفت می‌سازد

■ **مهر:** مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی با اشاره به صدور روزانه ۲/۱ میلیون بشکه نفت از ایران از مشارکت قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا و خارجی‌ها برای اجرای یک طرح نفتی خبر داد و گفت: ساخت مخازن زیرزمینی نفت در سواحل خلیج‌فارس در دستور کار قرار گرفت. غلامرضا غریبی در جمع خبرنگاران با بیان اینکه از ابتدای سال‌جاری تاکنون به طور متوسط روزانه ۲ تا ۲/۱ میلیون بشکه نفت خام از پایانه‌های نفتی ایران به بازارهای جهانی نفت خام صادر شده است، گفت: همچنین از اواسط تابستان سال‌جاری تاکنون عملیات سوآپ نفت خام از کشورهای حاشیه دریای خزر مجددا از سر گرفته شد. مدیرعامل شرکت پایانه‌های نفتی ایران اعلام کرد: در حال حاضر، حجم سوآپ روزانه نفت خام ایران به ۲۰ تا ۲۵ هزار بشکه افزایش یافته است.

بخش‌خصوصی ترکیه مشتری گاز ایران

■ **شانا:** حسین بیدار مغز از تمایل یک شرکت خصوصی ترکیه برای خرید گاز از ایران با استفاده از ظرفیت خالی خط لوله صادراتی موجود خبر داد و گفت: به‌زودی هیات مذاکره‌کننده این شرکت با هدف خرید گاز ایران و صادرات آن به اروپا به تهران سفر خواهد کرد. مهندس حسین بیدار مغز در گفت‌وگو با خبرنگار شانا با یادآوری اینکه ظرفیت انتقال گاز خط لوله کنونی صادرات گاز ایران به ترکیه ۳۶ میلیون متر مکعب در روز است، گفت: با توجه به محدودیت فنی طرف ترکیه برای دریافت این میزان گاز، هم اکنون بیش از پنج میلیون متر مکعب ظرفیت گاز این خط لوله (معادل دو میلیارد متر مکعب در سال) خالی است. وی تاکید کرد: شرکت‌های خصوصی ترکیه به‌شدت خواهان استفاده از ظرفیت خالی انتقال گاز خط لوله کنونی صادراتی گاز از ایران به ترکیه هستند.

واکاوی دورافتادگی از توسعه (۵)؛ گفت‌وگو با بایزید مردوخی

تجار سنتی بازار، مسیر توسعه را مسدود کردند

رضا غیبی

بحث تلخ

اقتصاد ایران درگیر تضادهاست و در فضایی که دولت‌ها به اجرای برنامه تعهد ندارند، برنامه‌های توسعه‌ای هم راه به جایی نمی‌برند. این تجربه سالیان دراز وجود داشته است و حالا نیز به نظر می‌رسد ادامه دارد. اتفاقی که برای برنامه چهارم توسعه افتاد بهترین مثال برای این ماجراست. البته این فقط بخشی از واماندگی اقتصاد ایران در بزرگراه توسعه محسوب می‌شود. بایزید مردوخی صاحب‌نظر برجسته اقتصادی با سال‌ها تجربه در برنامه‌ریزی برای توسعه، رفتار گروه‌های دیگری از جامعه را نیز در توسعه‌نیافتگی دخیل می‌داند. ما در این قسمت از واکاوی توسعه‌نیافتگی اقتصاد ایران با او گفت‌وگو کرده‌ایم. او می‌گوید بخش‌هایی از بازار و سایر نهادهای اجرایی با رفتارهای خود ناهمواری‌های توسعه را دو چندان کرده‌اند. متن گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

آقای دکتر با توجه به اهمیت و نقش برنامه‌ریزی در تدوین سیاست‌های توسعه‌ای، فکر برنامه‌ریزی از چه زمانی و تحت تاثیر چه عواملی در ایران ایجاد شد؟

در ابتدای قرن ۲۰ میلادی که نیاز به توسعه در جامعه‌های در حال توسعه احساس شد، چگونگی توزیع عادلانه منابع مطرح و تفکر برنامه‌ریزی برای توسعه نیز شکل گرفت. تجربه نشان داده بود که نظام بازار و قیمت نمی‌تواند توزیع درآمد ملی بین سرمایه‌گذاری و مصرف را به‌درستی صورت دهد. توسعه، پیش‌زمینه توزیع و تقسیم عادلانه درآمد بود که رسیدن به این مهم پایه‌های برنامه‌ریزی در نظام توسعه‌ای کشورها را بنا نهاد.

توجه به تقسیم درآمد بین مصرف و سرمایه‌گذاری یکی از عواملی بود که در کنار عامل قبلی در پیدایش تفکر برنامه‌ریزی در ایران، از نزدیک به ۷۰ سال پیش نقش داشت.

با گذشت هفت دهه از آغاز برنامه‌ریزی در کشور آیا از این ابزار مهم و نهاد تاثیرگذار برنامه‌ریزی به‌صورت مطلوب بهره گرفته شده است و آن دو هدف مطرح شده تا چه حد تحقق پیدا کرده است؟

نگاهی به شرایط فعلی جامعه نشان می‌دهد که در هر دو حوزه پیشرفت‌هایی داشته‌ایم. به طور مثال نرخ شهرنشینی نسبت به یک‌صد سال گذشته رشد داشته و جمعیت شهری از امکانات رفاهی بهره‌مند شده‌اند. اما اگر خود را با دنیا مقایسه کنیم با عقب‌افتادگی فاحشی در بسیاری از بخش‌ها مواجه می‌شویم. البته برخی از شاخص‌ها در طول زمان تعریف اولیه خود را از دست داده‌اند، به‌طور مثال در چند دهه گذشته سرانه بالای مصرف برق یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی بود ولی امروز کاهش و صرفه‌جویی در مصرف برق به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی مطرح است و دیگر نمی‌توان سرانه بالای مصرف برق را نشان‌دهنده توسعه‌یافتگی دانست. بنابراین توسعه معنی و مفهوم خود را در طول زمان عوض کرده است و امروز اگر بخواهیم توسعه را به‌طور کامل و جامع و با در نظرگرفتن تحولات دوره زمانی تعریف کنیم باید بگوییم توسعه گسترش نظام اقتصادی - اجتماعی برای برآورده کردن نیازهای مادی و معنوی یک جامعه است. با این تعریف الگویی که یک جامعه برای توسعه انتخاب می‌کند در چارچوب نیازها، فرهنگ، تاریخ و خواسته‌های مردم خواهد بود.

الگوی انتخابی هر جامعه برای توسعه، قطعا نقاط مشترکی با الگوی توسعه‌ای سایر جوامع دارد که از آن جمله می‌توان به آزادی، امنیت، سرپناه، شغل، کرامت و... اشاره کرد.

اما در کشورهای ما الگوی جایگزینی واردات انتخاب می‌شود و به رغم گذشت چندین دهه از اتخاذ این استراتژی هنوز بر آن تاکید می‌شود. علت گرایش بر این الگو در بدنه اقتصادی کشور چیست؟

استراتژی صنعتی یکی از مواردی است که در فرآیند توسعه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و توسعه در مسیر این استراتژی رخ می‌دهد. برای رسیدن به توسعه صنعتی، الگوی جایگزینی واردات اتخاذ شد و احداث کارخانه‌های قند و شکر و سیمان و نساجی برای تامین نیازهای اولیه مصرفی و واسطه‌ای آغاز شد. در مقطعی این الگو مناسب به نظر می‌رسید اما تحت تاثیر عواملی این الگو توسعه صنعتی را به سرانجام نرساند ولی همچنان تصمیم‌گیران اقتصادی بر آن استوار هستند. علت این اتفاق را باید در رشد و گسترش یک طبقه بازار و تاجر در جامعه جست‌وجو کرد. این طبقه از جامعه از صدها سال پیش همواره بر بخش بزرگی از اقتصاد مسلط بودند و همواره در تعیین استراتژی‌ها و دولت‌ها نقش داشتند. از آنجا که رشد و رونق این طبقه به تجارت (داخلی و خارجی) بستگی دارد، در طول تاریخ همواره یک سیستم وارداتی و انحصاری در اقتصاد ایران وجود داشته است. این طبقه بسته به میزان قدرت خود مسیر رشد اقتصادی را تغییر داده است و مقاومت آنها در برابر توسعه صنعتی نهایت به شکست استراتژی جایگزینی واردات و این الگوی توسعه صنعتی ختم شده است.

در کنار این عامل ما طی چند دهه گذشته با عواملی به‌نام درآمدهای نفتی نیز مواجه بوده‌ایم. عواملی که به گفته کارشناسان در اقتصاد ایران نگاه سیاسی به آن وجود داشته است. آیا می‌توانیم سهم بیشتری برای درآمدهای نفتی در عدم توسعه‌یافتگی اقتصاد متصور باشیم؟

درآمدهای نفتی در چند دهه گذشته مکمل عامل اول بوده است. این عامل نیز این امکان را فراهم ساخته است تا فهرست واردات سال به سال بلندتر و متنوع‌تر شود. در نتیجه این عوامل یک اقتصاد مصرفی به‌وجود آمده است. وجود منبعی به‌نام درآمد نفتی این امکان را به دولت‌ها داده است که در زمان کمبود، به‌جای سرمایه‌گذاری برای تولید اقدام به واردات کالاهای مورد نیاز کرده و نیاز بازار را پاسخ دهند. این استراتژی در برخی از حوزه‌ها با موفقیت همراه بود به‌طوری‌که قبل از انقلاب در کالاهای مصرفی صنعتی به نوعی خوداتکایی و نه خودکفایی رسیدیم. در این مقطع کالاهای واسطه‌ای نیز رشد قابل قبولی داشت. در بخش کالاهای سرمایه‌ای نیز اقداماتی آغاز شده بود که بنا به دلایل سرعت آن کند بود. شاید بتوان گفت عمده‌ترین دلیل کندی توسعه صنعتی در این چند دهه وجود درآمدهای نفتی بوده است چرا که مدیریت این درآمد طی گذر زمان خصلت توسعه‌ای را از دست داده است.

اما برخی از کارشناسان و تحلیل‌گران اقتصادی بر این باورند که درآمدهای نفتی ایران از ابتدا فاقد برنامه و مدیریت بوده است.

نه اینکه درآمدهای نفتی در ایران مدیریت نداشته است، بلکه زمانی که برنامه‌ریزی در ایران شروع شد کل درآمد نفت به توسعه اختصاص داشت. در آن زمان تمامی درآمدهای ناشی از فروش نفت در اختیار سازمان برنامه قرار گرفت تا صرف ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی شود. پس از انقلاب دولت‌ها احساس کردند هزینه‌های جاری را نمی‌توانند از محل دریافت مالیات تامین کنند، چرا که وجود درآمد نفتی مانع از تاکید و توجه به درآمدهای مالیاتی می‌شد و برهمین اساس جامعه‌ای ساخته شد که دولت و ملت تعهد و تاکیدی نسبت به پرداخت و دریافت مالیات نداشتند. برداشت دولت از درآمدهای نفتی برای هزینه‌های جاری در نهایت به جایی رسید که سرمایه‌گذاری و هزینه‌های توسعه‌ای در بودجه‌های سالانه دولت برای تولید ثروت و حفظ سرمایه برای آیندگان به کمتر از ۳۰درصد کل بودجه رسید.

با توجه به الزام برنامه‌ها و قانون اساسی چرا باز هم اقتصاد ایران مدیریت و حاکمیت دولتی را در راس خود دارد؟



عکس: مهدی حسنی، شرق

> **طبقه تاجر از صدها سال پیش همواره بر بخش بزرگی از اقتصاد مسلط بودند و همواره در تعیین استراتژی‌ها و دولت‌ها نقش داشتند. از آنجا که رشد و رونق این طبقه به تجارت (داخلی و خارجی) بستگی دارد، در طول تاریخ همواره یک سیستم وارداتی و انحصاری در اقتصاد ایران وجود داشته است**

از زمانی که برنامه‌ریزی در ایران مطرح شد، تمامی مجریان، مشاوران و دست‌اندرکاران اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها توسط دولت را خواستار بودند. دلیل تاکید به حضور دولت هم چیزی نبود جز عدم رشد و بلوغ بخش خصوصی برای مشارکت و در اختیار گرفتن پروژه‌ها و اجرای برنامه‌ها.

بنابراین ما می‌توانیم بخشی از عدم توسعه‌یافتگی و فعال‌تر شدن دولت در اقتصاد را متوجه برنامه‌های توسعه‌ای بدانیم؟

در این مورد باید گفت که برنامه‌ها نقشی در توسعه‌نیافتگی اقتصاد نداشتند و این مهم به عامل بزرگ‌تر و مهم‌تری به نام عدم تعهد دولت‌ها در اجرای برنامه‌ها و قوانین برمی‌گردد. در برنامه‌های قبل از انقلاب و از برنامه سوم عمرانی به بعد اهداف کلان و جامع‌تری دیده شد و این اهداف در قالب بسته‌های اقتصادی و اجتماعی تدوین شد و توجه و حضور بخش خصوصی نیز مورد توجه قرار گرفت. پس از انقلاب برنامه‌ای برای سال‌های ۶۶-۱۳۶۲ تدوین شد که جامع بود و به واسطه برخورداری از شور انقلابی برای اولین بار برش استانی را هم در خود جای داده بود. اما این برنامه به واسطه گسترده بودن و بی‌اعتمادی و ناتوانی مجلس در بررسی آن تصویب نشد. با پایان یافتن جنگ، برنامه‌ریزان تصور می‌کردند می‌توانند به واسطه عادت مردم به کمبودهای زمان جنگ، توسعه و رشد کالاهای واسطه و سرمایه‌ای را مدنظر قرار دهند تا پایه‌ای باشد برای جهش‌های بعدی در همه بخش‌های اقتصادی اما در عمل ما شاهد بودیم که این اتفاق رخ نداد. عملکرد دولت در این دوره، توجیهی که داشت نشان‌دهنده عدم تعهد به برنامه بود. در برنامه دوم توسعه، که مجلس بخش عمده آن را تغییر داد گرایش‌ها به سمت توسعه فرهنگ، اخلاق و... بود. در این برنامه نیز عدم تعهد دولت به اجرای کامل برنامه و حرکت در چارچوب برنامه مشاهده می‌شود. برنامه سوم اما اتفاق خوبی را به همراه داشت و آن هم ایجاد حساب ذخیره ارزی بود و برای اولین بار سهم سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی جدی گرفته شد. اما از همان آغاز، به بعد رخنه‌ای در حساب ذخیره ارزی ایجاد شد که بسیار مضر و خلاف قانون بود. دولت در برنامه چهارم توسعه با کمک مجلس هر زمان به میزان مورد نیاز خود از حساب ذخیره ارزی برداشت می‌کرد. در واقع قانونگذاری که به طور صریح هرگونه برداشت از حساب ذخیره ارزی را برای دولت ممنوع کرده بود، مجوز برداشت را در اختیار دولت قرار می‌داد. پس به طور کلی می‌توان گفت تعهد عامل مهمی است که می‌تواند به تحقق برنامه‌های توسعه ختم شود و اگر این تعهد نزد دولت و مجلس وجود نداشته باشد نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد یعنی اجرای برنامه به بی‌تعهدی و سلیقه‌گرایی ختم خواهد شد.

با این تفاسیر برداشت من از فرمایشات جناب‌عالی این خواهد بود که عدم تعهد دولت در کنار تصمیم‌گیری‌ها و مقاومت‌های مجلس در برابر برنامه، بخشی از عدم توسعه‌یافتگی اقتصاد ایران را موجب شده است. با توجه به ضرورت و اهمیت توسعه دلیل همراهی مجلس با دولت چه بود؟

دقیقا همین‌طور است و نباید به آن شک کرد. در مورد چرایی همراهی مجلس با دولت هم باید گفت از آنجا که ایران دوره جدید خود را با انقلاب آغاز کرد و انقلابی‌ها تمامی امور را چه در مجلس و چه در دولت در دست گرفتند یک نوع پیوند عقیدتی، مکتبی و عاطفی بین آنها در هر سه قوه شکل گرفت و هنوز هم پابرجاست. در چنین شرایطی وقتی از نظارت مجلس بر قوه مجریه صحبت می‌شود این پیوندها مانع از عملکرد منطقی و قانونی می‌شوند و با طرح مواردی از جمله جلوگیری از ایجاد خلل در تمامیت نظام و مصلحت‌اندیشی این عدم برخوردها توجیه می‌شود. این در حالی است که براساس تقسیم کار صورت گرفته هر نهادی باید به وظایف خود عمل کند و در صورت نظارت و درخواست پاسخگویی، هیچ خدشه‌ای به نظام وارد نخواهد شد. برخورد کدخدامنشی در مسایل روش توسعه نبوده و نخواهد بود.

اما همین سیستم کدخدامنشی، توجه به فقرا و برقراری عدالت اجتماعی را هدف توسعه اعلام کرده و معتقد است به توفیقات قابل توجهی هم دست پیدا کرده است؟

توسعه قبل از انقلاب با هدف برخورداری مردم از امکانات رفاهی، اجتماعی و... بود که پس از انقلاب با ریشه‌کنی فقر و برقراری عدالت اجتماعی همراه شد. در راه رسیدن به این هدف اما یک اصل بسیار مهم فراموش شد. من به عنوان طلبه اقتصاد یکی از ابتدایی‌ترین نکاتی که در اقتصاد فهمیده‌ام این است که ما اول باید کیکی برای تقسیم کردن داشته باشیم و در راستای توسعه و افزایش آن تلاش کنیم تا بتوانیم به همه سهمی درخور بدهیم. یعنی ما فراموش کرده بودیم که اول باید توسعه اقتصادی در چارچوب استراتژی‌های عدالت‌محور داشته باشیم تا بتوانیم به توزیع عادلانه درآمد بپردازیم. مسوولان از بهبود شرایط اقتصادی و کاهش ضریب‌جینی حرف می‌زنند ولی براساس اعلام رسمی هنوز ۱۰ استان محروم در کشور وجود دارد. این آماری است که در سال‌های دهه ۱۳۸۰ اعلام شد و تاکنون هم تغییری در آن حاصل نشده است، ۱۰ استانی که به طور رسمی شاخص‌های توسعه‌یافتگی آنها پایین‌تر از میانگین کشور است. پس نتیجه می‌گیریم که طی سه دهه اخیر فقرزدایی در ایران به نتیجه مطلوب اعلام شده در برنامه‌ها نرسیده است و این یعنی همان استمرار توسعه‌نیافتگی. البته برخی از این استان‌ها که در مناطق مرزی قرار دارند در مقاطعی مورد توجه قرار گرفته‌اند. مقاطعی که تمامیت ارضی کشور در خطر قرار می‌گرفت این توجه هم در راستای جلوگیری از خطر خارجی بوده است و هزینه‌های سنگین این توجه در راستای کمک به توسعه اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی نبوده است. به طور کلی می‌توان گفت در رویکردهای اقتصادی هر کجا که نیازهای انسانی نادیده گرفته شد، دچار مشکل شدیم. سرمایه‌گذار دنبال کسب منافع خود است و به رسمیت نشناختن این اصل و برخورد خصمانه با آن، انتظارات اقتصادی را خراب می‌کند. در چنین شرایطی موفقیت به ندرت و با هزینه‌های بسیار سنگین حاصل می‌شود. نکته بعدی هم اینکه در عصر حاضر تکنولوژی به سرعت در حال پیشرفت است و به تعبیری رشد دانایی و تکنولوژی است که توسعه می‌آورد. دانایی دربرگیرنده علم، تجربه، مدیریت، تعهد، دلسوزی و انضباط است. این مجموعه نظام تدبیر شایسته‌ای در سطوح مختلف از خانواده و بنگاه و شهر و بخش گرفته تا کل اقتصاد کشور به‌وجود می‌آورد که می‌تواند توسعه به بار آورد. در چنین وضعیتی است که تکنولوژی کاربرد منطقی پیدا کرده و مطابق با نیازهای جامعه، توسعه و تکامل می‌یابد.

به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت اگر نتوانیم هدف‌های شریف توسعه اقتصادی و اجتماعی و توازن منطقه‌ای را به اجرا بگذاریم و محقق سازیم، نتیجه توجه نکردن به اصول بنیادی توسعه است که برخی متوجه فرد و عملکرد فردی است که باید به رسمیت شناخته شود و برخی هم ناشی از عدم قبول حقوق عمومی است. ما چیزی به نام حقوق عمومی را در جامعه به رسمیت نمی‌شناسیم و از طرف دولت هم اقدام کافی برای آموزش و پذیرش حقوق عمومی در همه سطوح فردی و عمومی به‌عمل نمی‌آید. حقوقی که در بعضی از مراجع به نام مصلحت عمومی مطرح شده است باید یک تعریف عملی و عملیاتی پیدا کند تا از آن راهبردی برای توسعه استنباط و طراحی کنیم.

سهم صنعت از هدفمندی یارانه‌ها، غضنفری را به مجلس می‌برد

سایه استیضاح بر سر وزیر صنعت

شرق: سهم پرداخت‌نشده صنعت از هدفمندی یارانه‌ها وزیر صنعت، معدن و تجارت را به مجلس می‌کشاند تا شاید توضیحات غضنفری به چالش چندماهه تولیدکنندگان، مجلسی‌ها و دولت درخصوص پرداخت شدن یا پرداخت نشدن سهم صنعت پایان دهد.

ماجرا از روزی آغاز شد که در نخستین مرحله از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، مصوب شد که ۳۰ درصد از درآمدی اجرای طرح سهم تولید باشد و برای تعدیل قیمت‌ها و کمک به بهینه‌سازی خطوط تولید به تولیدکنندگان پرداخت شود. اما ماه‌های مرحله نخست اجرای طرح یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته شد و از سهم بخش تولید خبری نبود.

در بودجه سال ۹۰ نیز سهم بخش تولید از اجرای طرح ۲۰ درصد تعیین شد و این در حالی بود که هنوز تولیدکنندگان و دولت در پیچ نخست اجرای طرح مانده بودند. تولیدکنندگان از عدم پرداخت این سهم خبر می‌دادند و دولتی‌ها از پرداخت این سهم در قالب قبض‌ها انرژی می‌گفتند. در چنین فضایی بود که نمایندگان مجلس به خصوص اعضای کمیسیون صنایع و معادن در کنار تولیدکنندگان و فعالان بخش خصوصی ایستادند و از عدم تخصیص این سهم به بخش تولید حکایت کردند. در همین خصوص، حسین هاشمی رییس کمیسیون صنایع و معادن مجلس اعلام کرد که فقط ۵۰۰ میلیارد تومان از سهم صنعت در هدفمندی یارانه‌ها محقق شد و این در حالی بود که قرار بود دوهزارو۹۵۰ میلیارد تومان در سال گذشته به بخش صنعت به عنوان یارانه اختصاص یابد ولی ۵۰۰ میلیارد تومان از این رقم تا آخر اسفند ۸۹ عملیاتی شد که این رقم نمی‌توانست تمام نیاز بخش صنعت و معدن را پوشش دهد.

کشمکش‌ها بین بخش تولید، مجلس و دولتی‌ها بر سر پرداخت این سهم ادامه داشت و حتی دولتی‌ها اعلام کردند که از محل فروش فولاد خوزستان، بخشی از سهم صنعت تامین شده و به بخش‌های تولیدی خطوط اعتباری انرژی داده شده است. این در حالی بود که تولیدکنندگان اعلام می‌کردند قرار بود سهم بخش تولید برای بهینه‌سازی خطوط به این بخش تخصیص یابد که چنین اتفاقی نیفتاده است.

داستان پرداخت شدن یا نشدن سهم تولید در حالی ادامه‌دار شده است که این سهم و ماجراهای آن به سوالی از مهدی غضنفری درباره یارانه‌ها تبدیل شده و قرار است وزیر صنعت، معدن و تجارت در صحن علنی مجلس در این خصوص به مجلسی‌ها پاسخ دهد که اگر پاسخ‌های او قانع‌کننده نباشد، طرح استیضاح نخستین وزیر صنعت، معدن و تجارت پیگیری شود.

در همین خصوص، عضو کمیسیون صنایع مجلس از تهیه سوالی از وزیر صنعت در مورد تحقق سهم بخش صنعت از یارانه‌ها خبر داد و گفت: این سوال به امضای تمام اعضای کمیسیون صنایع رسیده و روز سه‌شنبه به هیات رییسه مجلس تقدیم خواهد شد. عزیز اکبریان به فارس اظهار داشت: با توجه به عدم تحقق سهم بخش صنعت از درآمد حاصل از هدفمندی یارانه‌ها، اعضای کمیسیون صنایع مجلس سوالی از وزیر صنعت طرح کردند که برای مطرح شدن در صحن علنی مجلس، امروز به هیات رییسه مجلس ارایه خواهد شد.

وی تصریح کرد: قرار بود وزیر صنعت در مورد پرداخت یارانه بخش صنعت به مجلس گزارش مکتوب ارایه دهد که تاکنون این گزارش به ما نرسیده است.

او ادامه داد: پس از طرح این سوال در صحن علنی مجلس، در صورتی که پاسخ وزیر قانع‌کننده نباشد، موضوع استیضاح غضنفری را در مجلس پیگیری خواهیم کرد.

طلا

سکه به مدار گرانی بازگشت

■ **شرق:** دیروز بازارهای جهانی معاملات خود را پس از دو روز استراحت از سرگرفتند. نتیجه عرضه و تقاضا در اولین روز کاری هفته هم رشد قیمت هر اونس طلا بود. دیروز هر اونس طلا در بازارهای جهانی تا هزارو۶۹۳ دلار هم پیش رفت اما در نهایت روی نرخ هزارو۷۸۲ دلار به ثبات رسید. این در حالی است که بر اساس گزارش رویترز، سرمایه‌گذاران بین‌المللی منتظر نتایج نشست رهبران منطقه یورو در ۲۳ اکتبر و برنامه کشورهای اروپایی برای حل بحران مالی و بدهی یونان هستند. وزرای دارایی گروه ۲۰ در نشست پاریس به کشورهای اروپایی یک هفته فرصت دادند تا برنامه قطعی و نهایی خود را برای پایان دادن به بحران مالی منطقه یورو ارایه کنند. به اعتقاد کارشناسان اقتصادی اگر شرایط منطقه یورو به همین وضعیت ادامه یابد، قیمت طلا به بیش از هزار و ۷۰۰دلار در هر اونس خواهد رسید. با این همه رییس اتحادیه طلا و جواهر کشور معتقد است با توجه به اینکه کشورهای مختلف برای جلوگیری از ایجاد شوک دوباره به بازارهای خود اقدام به ایجاد بسته‌های اقتصادی و همچنین تزریق منابع مالی کرده‌اند، بنابراین پیش‌بینی می‌شود در دو هفته آینده اقتصاد جهانی از یک ثبات نسبی برخوردار باشد.

طلا و سکه	قیمت(تومان)	تغییر(تومان)
بهار آزادی طرح قدیم	۵۹۰۰۰۰	+۳۰۰۰
بهار آزادی طرح جدید	۵۷۰۰۰۰	+۵۰۰۰
نیم سکه بهار آزادی	۲۶۵۰۰۰	+۲۰۰۰
ربع سکه بهار آزادی	۱۴۴۰۰۰	+۱۰۰۰
هرمثقال طلای ۱۸ عیار	۲۳۴۳۶۰	+۳۳۰۰
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۵۰۸۶۰	+۶۰۰

ارز

رشد قیمت‌ها در بازار ارز

■ **شرق:** دلار دیروز دوباره‌گران شد. به این ترتیب، ظاهرا پیش‌بینی کارشناسان از توقف نزول قیمت این ارز و بازگشت آن به مدار گرانی در حال تحقق است. دیروز در چهارراه استانبول هر دلار آمریکا از سوی صرافها هزار و ۲۴۵ تومان خریداری می‌شد و هزار و ۲۵۵ تومان فروش می‌رفت. یعنی ۱۵ تومان بیشتر از روز یکشنبه به این ترتیب، رشد قیمت این ارز طرف دو روز ۲۵ تومان به ثبت رسید. اما رشد قیمت دیروز تنها محدود به دلار نبود و پوند و یورو را هم شامل شد. پوند انگلیس دیروز در بازار غیررسمی هزار و ۹۶۰تومان خریداری می‌شد اما ارزش آن هنگام فروش هزار و ۹۸۰ تومان بود به این ترتیب، پوند دوباره به مرز دو هزار تومان نزدیک شده است. آنهم با رشد ۲۲ تومانی دیروز. یورو واحد پول اروپایی هم دیروز شاهد رشد قیمت بود. هر واحد از این ارز معتبر روز گذشته در مقابل هزار و ۷۲۰ تومان خریداری می‌شد اما صرافها در زمان فروش در مقابل هر واحد از آن هزار و ۷۳۵ تومان طلب می‌کردند یعنی ۱۲ تومان رشد دیگر در روز دوشنبه. این رشد در بازار آزاد در شرایطی صورت می‌گیرد که محمود بهمنی رییس کل بانک مرکزی در هفته‌های اخیر بارها در سخنانی اعلام کرده بود، نرخ ارز در بازار به شدت کاهش پیدا خواهد کرد. اما این بار برنامه بانک مرکزی برای کاهش نرخ ارز در بازار دوام چندانی نیاورد و به جز چند روز در سایر ایام نرخ دلار روند صعودی به خود گرفت.

ارز	قیمت(تومان)	تغییر(تومان)
دلار آمریکا	۱۲۵۵	+۱۵
یورو	۱۷۳۵	+۱۲
پوند انگلستان	۱۹۸۰	+۲۲
دلار کانادا	۱۲۶۰	+۲۶
یک‌صد ین ژاپن	۱۶۰۰	–
درهم امارات	۳۴۳	–

تالار شیشه‌ای

ادامه سقوط شاخص

■ **شرق:** شاخص بورس تهران دیروز بعد از افت سنگین ۵۰۰واحدی شنبه و یکشنبه به سقوط آزاد خود ادامه داد و ۱۳۱ واحد دیگر منفی شد. دیروز شروع بازار امیدوارکننده و پرهیجان بود اما بسیار سریع مشخص شد، این اتفاق واکنشی در برابر دو روز افت قابل توجه قیمت‌ها و شاخص بوده است. بازار با تغییر روند روبه‌رو نشد، اما افزایش خریداران به حدی بود که در اکثر نمادها تعادل را برقرار کند. برخی نمادها اما همچنان به روند نزولی خود ادامه دادند. روز دوشنبه بازار با صعود دو دسته نماد مواجه شد. اول نمادهایی که معمولا مورد علاقه سرمایه‌گذاران نوسان‌گیر هستند و در این دو روز نیز افت چنددرصدی قیمت داشتند؛ نمادهای پیمانکاری و نمادهایی چون فن آوا را می‌توان در این دسته جای داد. دسته دوم نمادهایی بودند که گزارش‌های اخیرشان، نظر بازار را به خود جلب کرده بود. سرمایه‌گذاری صنعت و معدن و فولاد آلیاژی یزد را می‌توان در این دسته جای داد. هیجان ابتدای بازار که از رشد تقاضا برای نمادهای مذکور و نمادهای با وضعیت مشابه نشات گرفت، اما به سرعت از بین رفت و باز هم ابتکار عمل در دست عرضه‌کنندگان افتاد.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
شاخص کل	۲۶۱۵۹/۴	– ۱۳۱/۸
شاخص ۳۰ شرکت	۱۶۳۵/۳	-۴/۶
شاخص آزاد شناور	۳۳۴۷۰/۳	– ۲۳۴/۴
شاخص بازار اول	۲۲۲۸۳/۶	– ۱۱۲/۹
شاخص بازار دوم	۳۱۱۶۵/۴	– ۱۴۹/۹
شاخص صنعت	۲۰۰۹۴/۵	-۶۶/۶